

رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت، به تازگی نرخ رشد باروری کشور را ۱٫۶ اعلام کرده است. کاهش نرخ رشد جمعیت و پیش‌بینی پیری جمعیت ایران طی ۳ دهه‌ی آینده، چند سالی است که مسئولان را به فکر اتخاذ تصمیماتی برای ترغیب خانواده‌ها به فرزندآوری انداخته است. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، نیز در همین راستا در سال۱۴۰۰ به تصویب مجلس رسید. به باور بسیاری از کارشناسان اما مشوق‌هایی که در این دست سیاست‌ها در نظر گرفته شده، با هزینه‌های فرزندآوری همخوانی ندارد. به عبارتی دیگر، مجموع شرایط اقتصادی، درآمد‌های پایین و در مقابل، تورم و گرانی روزافزون، سبب شده هزینه‌هایی که فرزند یک خانواده از بدو تولد تا دوری جوانی بر دوش خانواده می‌گذارد، بسیار زیاد شود. در این شرایط، آنچه به عنوان مشوق مالی فرزندآوری در نظر گرفته شده، در برابر این هزینه‌ها، چیزی شبیه به شوخی است!

به گزارش اپلنا، اگر از خرج‌های ابتدایی، مثل هزینه‌های دوره‌ی بارداری و زایمان و بیمارستان بگذریم، با به دنیا آمدن فرزند، خرج‌های اساسی‌تر آغاز می‌شود: از خرید شیرخشک و پوشاک گرفته تا هزینه‌های مربوط به بهداشت و درمان؛ که در دوره‌ای که درمان شکل خصوصی‌تری به خود گرفته، بار این هزینه‌ها نیز نسبت به قبل سنگین‌تر شده است. این تازه ابتدای راه است؛ کمی بعد، هزینه‌های آموزش که جزو مهم‌ترین هزینه‌ها به حساب می‌آیند آغاز می‌شود. این هزینه‌ها نیز به دلیل آنکه دولت بخش قابل توجهی از وظایف قانونی خود در رابطه با آموزش رایگان را به بخش خصوصی محول کرده، بسیار زیاد است.

به طور کلی، از طرفی، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که دولت برای جوانی جمعیت پیش گرفته با توجه به این هزینه‌ها غیرکارآمد است؛ و از طرفی دیگر، تمام این هزینه‌ها در مقابل درآمد یک خانواده، حتی خانواده‌های متوسط شهری که به یمن سیاست‌های اقتصادی، دیگر جایگاه پیشین را ندارد و به خط فقر نزدیک شده‌اند، بسیار ناچیز است.

حداقل حقوق یک خانوده‌ی سه نفره: ۱۰میلیون و ۸۹۲هزار تومان درآمد

با این مقدمه، تصور کنید به یک خانواده‌ی دو نفره، یک فرزند اضافه شود. یعنی باید به هزینه‌های اجاره‌خانه (اگر خانه‌ای در کار نباشد)، خورد و خوراک و پوشاک و در نهایت درمان - که اساسی‌ترین هزینه‌ها و البته حداقلی‌ترین نیازها هستند - هزینه‌های فرزند را نیز اضافه کرد. با یک حساب و کتاب مد دستی، منوجه‌ی نامتناسب بودن درآمد و هزینه‌ها خواهیم شد.

حداقل دستمزد ۱۴۰۳ با تمام مزایای مزدی برای یک فرد متاهل دارای یک فرزند، ۱۰ میلیون و ۸۹۲هزار تومان است. بیش از نیمی از این درآمد احتمالاً خرج کرایه خانه می‌شود و باقی نیز صرف مخارج یومیه. این در حالی است که فعالان کارگری و کارشناسان، نرخ حداقلی سبب معیشت که بسیاری از نیازهای اولیه از آن کسر شده را، ۳۰ میلیون تومان به بالا محاسبه کرده‌اند. بنابراین، حتی اگر تصور کنیم یک کارگر، درآمدی بیش از حداقل حقوق، مثلاً تا ۱۵ و حتی ۲۰ میلیون تومان داشته باشد، بازهم درآمد او با نرخ سبد حداقل‌های زندگی فاصله‌ی بسیاری دارد.

وضعیت توصیف شده البته یک وضعیت ثابت و غالب نیست و آمار دقیقی در رابطه با درآمد خانواده‌ها و تعداد شاغلین هر خانواده وجود ندارد. ممکن است درآمد خانواده کمتر یا بیشتر از این رقم باشد؛ ممکن است در یک خانواده دو شاغل وجود داشته باشد، یا یک شاغل برای تأمین هزینه‌ها چند شیفَت کار کند؛ اما مسئله این است که درآمد بسیاری از حقوق‌گیران، فاصله‌ی فاحشی با نرخ سبد حداقل‌های زندگی دارد. این فاصله ممکن است کم یا زیاد باشد، اما وجود دارد و زندگی را سخت کرده است. همچنین واضح است که وضعیت کسانی که قبل از این مرحله قرار دارند - یعنی کسانی که شغل ندارند، یا ثبات کار هستند، کار کاذب و یا کار غیررسمی دارند - به مراتب بدتر از مورد نامدینی است که ما در گزارش خود آورده‌ایم.

در چنین شرایطی، و در حالیکه حقوق حتی در بهترین حالت کفاف هزینه‌های حداقلی زندگی را نمی‌دهد، خوش‌بین بودن به سیاست‌های تشویقی حداقلی و غیر مطمئن دولت‌ها برای فرزندآوری، ساده‌انگاری است. ضمن اینکه باید توجه داشت که همین برنامه‌های به اصطلاح تشویقی نیز به سختی اجرا می‌شوند، و حتی بدتر،

گروه جامعه - از طرفی، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که حاکمیت برای جوانی جمعیت پیش گرفته با توجه به این هزینه‌ها غیرکارآمد است؛ و از طرفی دیگر، تمام این هزینه‌ها در مقابل درآمد یک خانواده، حتی خانواده‌های متوسط شهری که به یمن سیاست‌های کلی، به لحاظ اقتصادی دیگر جایگاه پیشین را ندارد و به خط فقر نزدیک شده‌اند، بسیار ناچیز است.

حمایتی که هیچ هم نیست!

مصائب فرزندآوری



حقوقی که بیشتر در قوانین برای حمایت از فرزندآوری ترتیب داده شده نیز یا اجرا نمی‌شوند یا رسیدن به آن دشوار است.

چند نمونه موردی:

یک: حمید، سرپرست یک خانواده‌ی سه نفره است. فرزند او ۴ ماه پیش به دنیا آمد. همسرش با ۱۷ سال سابقه‌ی کار و بیمه‌پردازی، بعد از ۴ ماه، به تازگی توانسته حقوق مرخصی دوران زایمان را دریافت کند. این حقوق طبق قانون، دو سوم آخرین حقوق دریافتی است، که برای یک شاغل حداقل‌گیر در سال ۱۴۰۳ با درخواست ۹ ماه مرخصی زایمان، چیزی حدود ۸۰۰ هزار تومان می‌شود. حمید می‌گوید: «هزینه‌هایمان بعد از بچه دار شدن دو برابر شد و درآمدمان نصف. قبلاً درآمد هر دو روی هم ۲۴ میلیون تومان بود اما حالا با احتساب ۶ میلیون و ۲۰۰ تومانی که همسر ما بیمه، آن هم بعد از ۴ ماه دوندگی دریافت می‌کند، به ۱۸ میلیون تومان رسیده است. ۱۰ میلیون تومان کرایه خانه می‌دهیم و باقی هم صرف هزینه‌های روزمره می‌شود، که با آمدن فرزند بیشتر شده است.»

او می‌گوید: «قبل از آنکه به فکر داشتن فرزند بیفتیم، مبلغی پس‌انداز کردیم که تقریباً دیگر چیزی از آن باقی نمانده و برای گذران ادامه‌ی زندگی چاره‌ای پیدا کردن شغل دوم ندارم.»

دشواری‌های دریافت وام فرزندآوری

دولت وامی برای فرزندآوری تخصیص داده که مبلغ این وام برای فرزند اول فعلاً ۴۰ میلیون تومان است. اما انتظار که متقاضیان می‌گویند، شرایط بهره‌مندی از این وام دشوار است. حمید مسیری را که برای گرفتن این وام طی کرده شرح می‌دهد:



«ثبت‌نام در سایت و انتخاب بانک مورد نظر، خود یک فرآیند نسبتاً سخت است. از این مرحله که گذشتیم به بانک مراجعه کردیم و گفتند فعلاً بودجه نداریم. باید صبر می‌کردیم تا از بانک مرکزی برایمان کدی ارسال شود. کد، بعد از مدتی ارسال شد و تازه سختی‌های گرفتن وام شروع شد. ضامن یا باید کارمند رسمی می‌بود و یا کسبه‌ای با چک بانک مورد نظر. ما به سختی و با شرمندگی از یکی از اقوام متمول خواستیم تا دسته‌چکی از بانک بگیرد و توانستیم مدارک را کامل کنیم. یک ماه بعد از تکمیل مدارک به بانک مراجعه کردم و دوباره گفتند بودجه نداریم. پیگیر شدم و چند روز بعد بالاخره یک مبلغ ۳۷ میلیون تومانی واریز کردند.»

حمید در وصف ناچیز بودن این مبلغ می‌گوید: «همان دو هفته اول بعد از تولد، نوزادمان سرماخورد و گفتند باید بستری شود. بیمارستان دولتی جا پیدا نکردیم و او را به بیمارستان خصوصی بردیم. همان اول ۱۵ میلیون تومان واریز کردیم و در نهایت هم نزدیک به ۲۲ میلیون تومان هزینه‌ی بیمارستان شد.»

حقوق کم با هزینه پرستار سر به سر می‌شد

دو. سمانه یک فرزند یک سال و نیمه دارد. او پیش از این ۱۵ سال سابقه‌ی کار در یک شرکت خصوصی داشت. حالا اما مجبور به خانه‌نشینی شده است. سمانه می‌گوید: «تنها سه ماه از مرخصی زایمان استفاده کردم و کارفرما به مرخصی بیشتر از این موافقت نکرد. بنابراین بعد از سه ماه، پرستار گرفتیم و به کار برگشتیم. تقریباً سر ماه بیش از نصفی از حقوقم را به پرستار می‌دادم تا کارم را از دست ندهم. در واقع درآمد من که تا قبل از این صرف بازپرداخت وام‌هایمان می‌شد، دیگر صفر شده بود و همسرم با دو شیفَت کار کمبود زندگی‌مان را جبران می‌کرد.»

او می‌گوید: «بعد از حدود یک سال متوجه شدم که سر کار رفتنم واقعا فایده‌ای جز دوری از فرزندم ندارد. حقوق ماهیانه‌ام با هزینه‌ی پرستار تقریباً سر به سر می‌شد و تنها خستگی برابیم می‌ماند. برای همین تصمیم گرفتیم کارم را رها کنم تا فرزندم را خودم بزرگ کنم. درآمدمان نصف شده، همسرم دو شیفَت کار می‌کند و پس‌اندازی هم نداریم. تنها هزینه‌ی دو قلم داروِ آهن و یتامین هر دوهفته یکبار فرزندم ۵۰۰ هزار تومان است.»

توانستیم وام فرزندآوری را بگیریم

سمانه در مورد دریافت وام فرزندآوری می‌گوید: «۵ ماه بعد از آنکه فرزندم به دنیا آمد به دنبال دریافت وام رقتم اما شرایط دریافت این وام برای ما سخت بود و نتوانستیم ضامن پیدا کنیم.»

هر جور حساب می‌کنیم، نمی‌توانیم فعلاً صاحب فرزند شویم

سه. فاطمه و میلاد فرزندِی ندارند. آن‌ها ۵ سال پیش تشکیل خانواده دادند و در یک خانه‌ی اجاره‌ای در مرکز شهر زندگی کردند. فاطمه می‌گوید: «با آنکه هر دو کار می‌کردیم اما نتوانستیم موقعیتمان را حفظ کنیم، دو سال بعد از ازدواج، از پس تأمین کرایه خانه برنیامدیم و به کرج رفتیم.»

او از تلاش دوفترة برای خرید یک خانه می‌گوید: «همه کار کردیم. ماشین‌مان را فروختم و با پس‌اندازی که از هدایای عروسی برایمان باقی مانده بود، یک مغازه در حاشیه کرج کرایه کردیم. پیش خودمان گفتیم، شغل آزاد بهتر از کار برای کارفرما یا حقوق ۱۰-۱۲ میلیون تومانی است، من از شغل استعفا دادم و در مغازه ایستادم و همسر هم بعدازظهرها به من ملحق می‌شد.»

کار آن‌ها اما نگرفت. آنطور که خودشان می‌گویند، میزان درآمدشان با هزینه‌های مغازه نمی‌خواند و بعد از یک سال مجبور به بستن مغازه شدند. فاطمه می‌گوید: «پیش خودمان گفتیم، چند سال بعد درآمدمان بهتر می‌شود و یک خانه در همین کرج می‌گیریم و بعد برای بچه‌دار شدن اقدام می‌کنیم. حالا هرچو که حساب می‌کنیم از پس هزینه‌های فرزند بزمی‌آییم. در بهترین حالت، درجا می‌زنیم.»

طبقه‌ی متوسط فقیر نگران از آینده

هر سه نمونه‌ی موردی گزارش، افرادی از طبقه متوسط جامعه هستند؛ کسانی که اگرچه به لحاظ فرهنگی در همان دسته‌ی طبقه‌ی متوسط قرار دارند اما موقعیت اقتصادی آن‌ها، به خصوص طی سال‌های اخیر بسیار تضعیف شده است. کسانی که قرار بود تحصیلات و شغل‌شان آن‌ها را به لحاظ اقتصادی در جایگاه مناسب‌تری قرار دهد، حالا اما در تأمین حداقلی‌ترین نیازهای زندگی خانواد‌ی خود مانده‌اند! افرادی که نگران داشتن حتی یک فرزند هستند و اگر هم فرزندِی داشته باشند، به سختی از پس تأمین هزینه‌های تک فرزندشان، برمی‌آیند.

این نمونه‌ها، البته به لحاظ کثرت، چندان قابل اعتنا نیستند. همانطور که پیشتر گفتیم، ممکن است وضعیت برخی از آنچه در گزارش گفته شد بهتر و یا بدتر و بسیار بدتر باشد. اما مسئله اصلی این است که بخش کثیری از افراد جامعه‌ی ما از طبقه متوسط و کارگر، امروز توان تأمین حداقلی‌ترین نیازهای خود را ندارند. آن‌ها برای تأمین هزینه‌های خانواده خود، باید چند شیفَت کار کنند و از بسیاری از نیازهای اساسی بگذرند.

در چنین شرایطی سیاست‌هایی چون پرداخت وام ۴۰ میلیون تومانی یا بیشتر، واگذاری زمین، سهمیه ثبت‌نام خودرو ... نمی‌تواند تغییر چندانی در دیدگاه این طبقات به وجود بیاورد. ضمن اینکه همانطور که قبلاً گفتیم، دست‌یابی به همین مشوق‌ها هم چندان کار آسانی نیست.

با چنین سیاست‌هایی نمی‌توان طبقه‌ی متوسط نگران از آینده را ترغیب به فرزندآوری کرد. آن‌ها که انتظارشان از تربیت فرزند و خواست آینده‌ای بهتر برای او، هیچ سختی‌تی به موقعیت اقتصادی‌شان که روز به روز بدتر می‌شود، ندارد. همچنین با این دست سیاست‌ها، نمی‌توان طبقه‌ی کارگری که سقوط آزاد به زیر خط فقر را از خیلی وقت پیش آغاز کرده، ترغیب به فرزندآوری کرد. این دست سیاست‌ها را باید در ردیف همان کار فرهنگی شهرداری‌ها در قالب برنهای تشویقی فرزندآوری قرار داد و نباید توقع چندانی از کارآمدی آن برای تغییر وضعیت داشت.

شناسه آگهی: ۱۸۷۳۴۰۴

آگهی مزایده عمومی اموال و املاک غیر منقول (مزایدهٔ مرحلهٔ سوم سال ۱۴۰۳ مدیریت شعب بانک توسعه تعاون استان تهران) (شماره مرجع: ۲۳۳۳۶/د/۱۲۱۰۰۰۰/۲۲- مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۵)

مدیریت شعب بانک توسعه تعاون استان تهران در نظر دارد تعدادی از اموال و املاک تعلیکی و مازاد خود را از طریق مزایده عمومی (مرحله سوم سال ۱۴۰۳) به شرح ذیل و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (setadiran.ir) را به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

- زمان انتشار در سایت و روزنامه های کثیرالانتشار:** روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ ساعت ۸:۰۰ صبح
- تاریخ بازدید:** از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ الی روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ از ساعت ۹:۰۰ صبح الی ۱۲:۰۰ بعدازظهر
- آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت:** از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ ساعت ۱۸:۰۰ .
- آخرین مهلت حرج و ارسال پیشنهاد قیمت در سامانه:** از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ تا روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ از ساعت ۱۹:۰۰
- زمان گشایش پاکات و اعلام اولیه به برندگان مزایده:** روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ ساعت ۱۰:۰۰ صبح
- زمان اعلام قطعی به برنده:** پس از تأییدیه کمیسیون معاملات مدیریت شعب استان تهران و ازطریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت.
- زمان انعقاد قرارداد با برنده مزایده:** پس از اعلام از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت صورت می پذیرد.

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی می باشد :

- کلیه هزینه های نقل انتقال (مفاصاحساب دارایی، شهر دار، تامین اجتماعی و اخذ سند تک برگ) به عهده برندهٔ مزایده می باشد.
- تضمین شرکت در مزایده معادل ۵٪ قیمت پایه به حساب شماره ۱۷۰/۰/۱۱/۱۰۰۰/۰۴ بنام وجوه واریزی واحد مالی مدیریت شعب بانک توسعه تعاون استان تهران واریز شود.
- فروشی و واگذاری کلیهٔ املاک بصورت ۱۰۰٪ نقدی بوده که برندهٔ مزایده موظف به واریز یکمبلغ معادل ۹۵٪ از مبلغ باقیماندهٔ پیشنهادی (علاوه بر ۵٪ سپرده قیمت پایه و مابه التفاوت پیشنهادی)، ظرف مدت ۷ روز از تاریخ اعلام به برنده به حساب اعلامی بانک می باشد. که در صورت عدم واریز به موقع مبلغ فوق سپرده ۵٪ واریزی اولیه به نفع بانک ضبط خواهد گردید.
- بانک در همه حال در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات خریداران مختار است.
- ضمناً تخلیه املاک دارای متصرف بر عهده خریدار می باشد و همچنین بازدید از املاک الزامی بوده و ملک با وضعیت موجود واگذار می گردد
- واگذاری و انتقال کلیهٔ املاک به برندگان مزایده پس از تأیید کمیسیون معاملات مدیریت شعب استان تهران می باشد.
- متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و هماهنگی جهت بازدید(در صورت امکان) در ساعات اداری به مدیریت شعب استان به آدرس: تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا، بعد از پل کردستان، پلاک ۸۴ طبقه اول واحد اداری و پشتیبانی مراجعه و یا با شماره ۰۲۱-۸۳۳۷۱۱۱۱ و ۰۲۱-۸۳۳۷۱۱۲۲ تماس حاصل نمایند.
- برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت میسر می باشد و کلیه مراحل فرایند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده از سامانه (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پیشنهادات، اعلام به برنده و واریز وجه مزایده در بستر این سامانه امکان پذیر می باشد.
- کلیه اطلاعات املاک و مستغلات شامل مشخصات، شرایط و نحوه فروش در برداعلان عمومی سامانه مزایده، قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می باشد.
- علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند:
 - ۱۱- دفتر ثبت نام استان ۸۸۹۶۹۱۳۲۷ و ۰۲۱-۸۵۱۹۳۲۶۸
 - ۲۱- مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۰۲۱-۴۱۹۱۳۲۴

اطلاعات تماسی دفتر ثبت نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت نام ا برپوافل مزایده‌گر» موجود است.

ردیف	آدرس	پلاک ثبتی	نوع ملک	عرصه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	قیمت پایه (به ریال)	شرایط واگذاری	توضیحات	مبلغ ۵٪ تضمین (به ریال)
۱	استان مازندران، چالوس، خیابان آیت اله غفاری، قبل از فلتر ۲۱، جنب شمالی	۱۰۲۵- و ۱۱۶۰ فرعی از ۸ و ۹ اصلی	زمین با بنای اجداتی	۱۲۹۶ مترمربع	۱۸۳ مترمربع	۱۵۳۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شش دانگ عرصه و اعیان)	۱۰۰٪ نقدی	یک قطعه زمین به مساحت ۱۲۹۶ مترمربع که پلاک های تجميع شده محصور به دیوار و دروازه و با بر تقریباً ۳ متر بوده و باقیمانده عرصه حیاط و دارای درختان مرکب بصورت باغ می باشد. ملک دارای یک بنای اجداتی به مساحت ۱۸۳ مترمربع با قدمت ۲۹ سال یک طبقه و سه خوابه بوده و همچنین ساختمان دارای آب برق و گاز و فایبر پارکینگ و انباری می باشد. ملک مذکور دارای متصرف می باشد، و خلع بد با برنده مزایده می باشد. ضمناً بازدید از ملک الزامی بوده و واگذاری باوضع موجود می باشد.	۷/۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲	استان قزوین، تاکستان، اتوبان قزوین - زنجان، از جاده مرغداري سابق آقای داتمی به فاصله ۲۵۵۰ متر به طرف شمال و به فاصله ۵۰۰ متر به سمت غرب،	۵۰۳۱ فرعی از ۱ اصلی	زمین	۳۰۰۰	ندارد	۹/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شش دانگ عرصه)	۱۰۰٪ نقدی	یک قطعه زمین به مساحت عرصه ۳۰۰۰۰ مترمربع با کاربری کشاورزی دیم که فاقد اعیانی و هر گونه مستحذات بوده و خارج از طرح هادی روستایی و همچنین فاقد منابع آبی مطمئن می باشد. ملک دارای سند تک برگ می باشد. ضمناً بازدید از ملک الزامی بوده و واگذاری با وضع موجود می باشد.	۴۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳	استان تهران، کوملوتر ۴۵ جاده خوارون، شهرک صنعتی علی آباد، بلوار منوبر، نبش خیابان یاسمن ۶، قطعه B5۶ (تحت تصرف شرکت کندم طلایی آفتابیه	۴۱۲- ۷۲۸ مترچه واگذاری	صنعتی	۲۸۰۰	۱۲۲۰	۴۷۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (حق بهره برداری از شش دانگ عرصه ملک)	۱۰۰٪ نقدی	ملک مذکور وفق مستندات دارای عرصه به مساحت ۲۸۰۰ مترمربع و اعیان با مساحت ۱۲۲۰ مترمربع که اعیان در تصرف و مورد بهره برداری و متعلق به شرکت کندم طلایی آفتاب می باشد و مبلغ پایه کارشناسی در شرایط عادی، ارزش بهره برداری از عرصه ملک معادل ارزش ششدانگ عرصه ملک است که در شرایط فعلی قیمت پایه کارشناسی(مزایده) است. ولیکن در حال حاضر با توجه به وجود متصرف مذکور، مالک حق بهره برداری از عرصه ملک و حتی ورود به ملک را ندارد و نهایتاً با انجام اقدامات قانونی و با حکم مرجع قضایی مستحق دریافت اجاره بهای عرصه می باشد که مبلغ اجاره بهای عرصه در مقایسه با قیمت آن ناچیز است. عرصه ملک دارای متصرف(توسط مالک و بهره بردار اعیانی) بوده و هرگونه توافق احتمالی با مالک اعیانی جهت واگذاری حق بهره برداری عرصه به ایشان با خبریدار(برنده مزایده) می باشد.	۲/۲۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۴	استان قزوین، شهرک صنعتی دانسفهان، بلوار میرداماد، انتهای خیابان شیخ بهایی، نبش خیابان پیدل دهلوی، ملک تحت تصرف شرکت رعنائسن	۱۰۲۰ فرعی از ۱۳ اصلی بخش قزوین ۶	صنعتی	۵۳۲۷/۲۳	۱۵۴۷	۴۱/۸۹۷/۸۴/۰۰۰ ریال (حق بهره برداری از شش دانگ عرصه ملک)	۱۰۰٪ نقدی	ملک واقع در شهرک رعنائسن دانسفهان می باشد و قسمتی از پلاک ثبتی ۱۰۲۰ فرعی از ۱۱۲ اصلی با شماره ثبت ۶۶۰۴ در دفتر ۲۲ صفحه ۲۴ بود که به شرکت شهرکهای صنعتی استان قزوین واگذار و این شرکت نیز متعاقباً حق بهره برداری از زمین مورد اشاره را طی قرارداد بهشماره ۱۵۶۴ مورخ ۱۳۸۹/۰۲/۱۱ به شرکت رعنائسن واگذار نموده است که نهایتاً حق بهره برداری عرصه در تملک بانک قرار گرفته است. و میزان حق بهره برداری ملک مذکور مطابق گزارش ارائه شده برای عرصه می باشد. ضمناً ملک مذکور وفق مستندات دارای اعیانی به مساحت ۱۵۴۷ مترمربع بوده که اعیان در تصرف و مورد بهره برداری و متعلق به شرکت رعنائسن می باشد و مبلغ پایه کارشناسی در شرایط عادی، ارزش بهره برداری از عرصه ملک معادل ارزش ششدانگ عرصه ملک است که در شرایط فعلی مبلغ قیمت پایه کارشناسی(مزایده) است. ولیکن در حال حاضر با توجه به وجود متصرف مذکور، مالک حق بهره برداری از عرصه ملک و حتی ورود به ملک را ندارد و نهایتاً با انجام اقدامات قانونی و قضایی مستحق دریافت اجاره بهای عرصه می باشد. عرصه ملک دارای متصرف(توسط مالک و بهره بردار اعیانی) بوده و هرگونه توافق احتمالی با مالک اعیانی جهت واگذاری حق بهره برداری عرصه به ایشان با خر بیدار(برنده مزایده) می باشد.	۲۱۰۹۴/۸۹۲/۰۰۰ ریال
۵	استان آذربایجان غربی، شهرستان خوی، کیلومتر ۱۵ جاده سلماس، شهرک صنعتی خوی، بلوار علم و صنعت، نبش بلوار صنعتگران ۲، تحت تصرف شرکت اسپیدار سبز خوی	شماره دفتر قرارداد ۵۴۹ مورخ ۱۳۷۲/۰۲/۰۶	صنعتی	۴۲۰۰	۱۳۳۴/۴۰	۷۵۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (حق بهره برداری از شش دانگ عرصه ملک)	۱۰۰٪ نقدی	ملک مورد نظر دارای اعیانی سوله و نیم طبقه و سایر اعیانیر جمعا به مساحت ۲۳۸۲/۸۰ مترمربع بوده که اعیانی متعلق به شرکت اسپیدار سبز خوی می باشد و مبلغ پایه مزایده در شرایط عادی، ارزش بهره برداری از عرصه ملک و معادل ارزش ششدانگ عرصه ملک است که در شرایط فعلی معادل مبلغ قیمت پایه کارشناسی(مزایده) است.ولیکن در حال حاضر با توجه به وجود متصرف مذکور، مالک بهره برداری از عرصه ملک و حتی ورود به ملک را ندارد و نهایتاً با انجام اقدامات قانونی و قضایی مستحق دریافت اجاره بهای عرصه می باشد. عرصه ملک دارای متصرف(توسط مالک و بهره بردار اعیانی) بوده و هرگونه توافق احتمالی با مالک اعیانی جهت واگذاری حق بهره برداری عرصه به ایشان با خبریدار(برنده مزایده) می باشد.	۳/۱۷۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال